

**بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر
و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی
عباسعلی غلامی^۱، جواد عباسعلی مددی^۲، سعید قهرمانی^۳، محمد مومنی^۴**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

چکیده

خانه‌گریزی یا فرار کودکان و نوجوانان از خانواده، به عنوان یک پدیده اجتماعی و جهانی، پژوهش‌ها و مطالعات متعددی را به خود اختصاص داده است. عوامل مؤثر در این پدیده از چنان تنوع و گستردگی برخوردارند که ارائه هرگونه برنامه جامع برای پیشگیری و یا پایش این پدیده را بدون انجام مطالعات میان رشته‌ای عملاً غیرممکن ساخته‌اند. از مهم‌ترین عوامل پیدایش این پدیده شوم فقر فرهنگی، اقتصادی، عدم آگاهی افراد، اعتیاد و طلاق والدین می‌باشند. به منظور حل معضل کودکان خیابانی راهکارهایی وجود دارند که از آن جمله می‌توان؛ به آموزش اجباری همراه با حمایت‌های دولت و مردم، تأمین معاش، کاهش هزینه‌های تحصیلی و زیست محیطی، تشکیل سازمان‌ها و نهادهای رسمی متولی رسیدگی به وضع تربیت، اشتغال و تحصیل این کودکان و بررسی سطوح طبقات زیر خط فقر را مورد بررسی قرار داد. تحقیق مربوطه از نوع توصیفی و روش گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: کودکان خیابانی، عوامل مؤثر، راهکار مقابله

-
۱. کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، رئیس اداره ارزیابی عملکرد سازمانی شهرداری قزوین. abb.gholami@gmail.com
 ۲. کارشناس ارشد مدیریت سلامت، ایمنی و محیط زیست. سرپرست مدیریت نوسازی و تحول اداری شهرداری قزوین. jmadadi111@gmail.com
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، کارشناس سرمایه انسانی شهرداری قزوین. saeid.gh.3915@gmail.com
 ۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، رئیس اداره پاسخگویی به شکایات شهرداری قزوین. mohammad9627@gmail.com

۱. مقدمه

کار کودکان، مشکلی جهانی است و پیشینه مطالعاتی وسیعی دارد. اگرچه براساس آمارهای سازمان بین‌المللی کار، از سال ۲۰۰۰ میلادی تاکنون، تعداد کودکانی که در جهان کار میکنند، به دو سوم کاهش یافته است، هنوز رقمی در حدود ۱۶۸ میلیون کودک را شامل می‌شود که ۸۵ میلیون نفر آن‌ها به کارهای مخاطره‌آمیز اشتغال دارند (سازمان بین‌المللی کار آبیپک، ۲۰۱۳). پس از کار در بخش کشاورزی که در حدود ۶۰ درصد اشتغال کودکان را شامل می‌شود، بخش مهمی از کودکان (۲۵/۴ درصد) در فعالیت‌های خدماتی مشغول به کارند که کار در خیابان نیز در همین گروه طبقه‌بندی میشود (سازمان بین‌المللی کار آبیپک، ۲۰۱۳).

کار کودکان در خیابان، در پایتخت‌ها و بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، به ویژه کشورهای درحال توسعه، مشکلی جدی است، اما برآورد دقیق از تعداد کودکان خیابانی دشوار است و تفاوت در چگونگی تعریف و طبقه‌بندی از کودکانی که در خیابان به سر می‌برند و تمایل به بزرگ‌نمایی در تعداد کودکان خیابانی، به منظور جلب حمایت‌های سازمانی، به آمارهای بسیار متفاوتی منجر شده است (توماس دو بنیتز، ۲۰۱۷). پژوهشهای بسیاری در کشورهای جهان، وضعیت کودکان خیابانی، مشاغل آن‌ها، عوامل منجر به خیابانی شدن کودکان و پیامدهای خیابانی شدن بر کودکان را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که کودکان خیابانی، به دلیل شرایط کار و زندگی در خیابان، در معرض پیامدهای نامطلوب سلامت جسمی، روانی، جنسی و خطرهای اجتماعی قرار دارند (توماس دو بنیتز، ۲۰۱۷؛ واتهایو و همکاران، ۲۰۱۵). در ایران نیز مسئله کار کودکان در خیابان، از دهه هفتاد در شهرهای بزرگ کشور رواج یافته و مورد توجه مسئولان و پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌های پیشین در مورد کودکان خیابانی ایران، هم جنبه‌های سبب‌شناختی مسئله کودکان خیابانی و هم پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند و نشان می‌دهند که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی-اقتصادی چون مهاجرت‌های خارجی و داخلی، فقر و مشکل‌های مربوط به خانواده، از جمله بدرفتاری با کودکان، آن‌ها را به خیابان می‌کشاند (وامقی و همکاران، ۱۳۹۷).

همچنین این پژوهش‌ها درگیری کودکان با مجموعه‌ای از مشکل‌های سلامتی و اجتماعی چون افسردگی و سوء مصرف مواد را گزارش کرده‌اند. علی‌رغم داده‌های موجود، با توجه به محدودیت پژوهشهای کیفی در حوزه سبب‌شناسی و پیامدهای خیابانی شدن کودکان در ایران و کمبود اطلاعات در مورد تجربه عمیق کودکان از کار، این مقاله با ترکیبی از روشهای کمی و کیفی، به عوامل مربوط به خیابانی شدن کودکان و پیامدهای آن توجه می‌کند.

۲. سؤال پژوهش

علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر چیست؟

۳. اهداف تحقیق

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی

ارایه راهکارهایی در جهت حل مشکلات موجود در این زمینه

۴. ضرورت و اهمیت

به طور قطع می‌توان گفت پدیده کودکان خیابان، پدیده‌ای فراگیر، جهانی و هشدار دهنده است. مسئله کودکان کار خیابانی از پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی در ایران است و به همین سبب، مقابله با کودکان خیابانی یکی از مظاهر دردناک نابرابری در جامعه بشمار می‌آیند و لذا مداخله سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای بهبود وضعیت آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین مشکل در این حوزه، تعریف کودک کار خیابانی است. از سوی دیگر مشکلات معیشتی خانوارهای فقیر و عمدتاً، حاشیه نشین مطرح می‌شود که برای امرار معاش، کودکان خود را وارد شبکه کار غیررسمی می‌کنند.

۵. پیشینه تحقیق

نتایج مطالعه توصیفی صندوق کودکان سازمان ملل متحد در ایران (۱۳۹۹)، یک‌سری از نخستین مطالعات انجام یافته در خصوص وضعیت کودکان خیابانی شهر تهران، حاکی از آن بود که آنها گروهی متشکل از کودکان ۵ تا ۱۸ ساله‌اند که ۱۵٪ آنها را پسران تشکیل می‌دهند. ۱۵٪ این کودکان پدر و مادر داشته و ۲۵ تا ۸۵٪ آنها با والدین خود زندگی میکنند. اغلب این کودکان از خانواده‌های پرجمعیت بوده و تعداد افراد خانواده این کودکان بین ۵ تا ۱۵ نفر و میانگین آنها ۸ نفر است. همچنین اکثر این کودکان مهاجرند به طوری که ۴۴٪ این کودکان از روستاها و شهرهای مختلف به تهران آمده و ۳۶٪ آنها مهاجران افغانی و تنها ۲۵٪ آنها ساکن تهران و حومه آن هستند. همگی این بچه‌ها یا بی‌سوادند و یا در مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده‌اند.

علت اصلی ترک تحصیل این کودکان، فقر و شرایط دشوار خانوادگی مانند بدرفتاری با کودک یا نداشتن سرپرست مؤثر بوده است. بر طبق این مطالعه، این کودکان بین ۱۵ تا ۱۲ ساعت در روز کار می‌کنند و معمولاً اوقات فراغتی ندارند. مشاغل رایج این کودکان شامل فروش شیرینی و شکلات، سیگار، آدامس، روزنامه، گل، فالنامه، اجناس شیشه‌ای، واکس زدن، جمع‌آوری زباله و تعداد ناچیزی تکدی است.

به نظر می‌رسد اکثر کودکان خیابانی پسرند و دختران جمعیت کوچکی از کودکان خیابانی ایران را شامل می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که بسیاری از کودکان خیابانی دارای خانواده بوده و نه تنها با خانواده‌های خود در ارتباط‌اند بلکه درآمد خود را صرف کمک به تأمین معاش خانواده نیز می‌کنند. بسیاری از این کودکان در خیابان‌ها به کار مشغول‌اند و درآمد آنها نقش مهمی در حفظ حیات و تداوم زندگی خود و خانواده ایفا می‌کند. بسیاری از کودکان خیابانی بی‌سواد بوده و یا تحصیلات ابتدایی دارند و امکان راه یافتن آنها به مقاطع بالاتر تحصیلی با گذشت زمان کاهش می‌یابد. پدران و مادران این کودکان نیز تحصیلات اندکی داشته و مهارت‌های حرفه‌ای ضعیفی دارند. نکته قابل توجه حضور درصد بالایی از کودکان مهاجر افغانی است، با در نظر گرفتن این نکته که بسیاری از کودکان ایرانی مهاجران داخلی هستند و از سایر استان‌ها به تهران و یا از شهرهای کوچک به مراکز استان‌ها مهاجرت کرده و در حاشیه شهرها (۸۵/۱۸٪) در خیابان‌ها به کار اشتغال دارند. فعالیت‌های کودکان برای کسب درآمد در مطالعات مختلف شامل انواع دستفروشی، شاگردی مغازه، پادویی سینما، واکس زدن، جمع‌آوری ضایعات، شستشوی اتومبیل، وزن کشی، باربری، جارچی‌گری، تکدی، سرقت، مالخوری و باج‌گیری بوده است. دستفروشی بالاترین فراوانی را در میان مشاغل کودکان دارد.

۶. روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیق توصیفی می‌باشد.

۷. مطالعات و بررسی‌ها

پدیده کودک خیابانی در بیشتر کشورهای جهان، به عنوان یک مشکل اجتماعی شناخته می‌شود و هنوز تعریف واحدی برای آن وجود ندارد. نتایج تحقیق‌ها نشان می‌دهند که با توجه به ارزش‌ها فرهنگ و شرایط مختلف کشورها، این تعاریف از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند. چند واژه مختلف در زمینه کودکان خیابانی در ادبیات این موضوع و در تحقیق‌هایی که در سطح بین‌المللی در کشورهای مختلف انجام شده‌اند، وجود دارند که اپوکو (۱۹۹۶) دسته‌بندی آنها را بدین گونه قرار داده است:

گروه اول، کودکان خیابانی یا در خیابان (Children on streets)، این کودکان که به حمایت و بقای خانواده خود از لحاظ اقتصادی کمک می‌کنند، در خیابان‌های شهرهای بزرگ زندگی می‌نمایند، در حالی که پیوندشان را با خانواده در این حد که ش‌ها به خانه برگردند و شب را آنجا بگذرانند، حفظ کرده‌اند و این ارتباط به کل قطع نشده است. امکان دارد این کودکان به مدرسه بروند و احساس تعلق به خانواده در آنان وجود دارد، اما به دلیل شکنندگی وضعیت اقتصادی خانواده، این کودکان ممکن است در نهایت خیابان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کنند.

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی

گروه دوم، بچه‌های خیابان هستند (Children of street) این کودکان خانه را کلاً ترک کرده‌اند، روز و شب در خیابان زندگی می‌کنند و اصلاً ارتباطی به محیط خانواده ندارند و یا ارتباطشان خیلی محدود است و این ارتباط، به مفهومی که برای

حمایت آن‌ها مورد انتظار است، وجود ندارد و این گروه برای بقای خودشان کار می‌کنند. بیشتر این کودکان محل اقامت دائمی ندارند و مرتب از مکانی به مکانی یا از شهری به شهر دیگر جابه‌جا می‌شوند.

گروه سوم، کودکان رها شده هستند، این گروه از کودکان کاملاً بی‌سرپناه هستند و به هیچ وجه تماسی با خانواده‌هایشان ندارند. بعضی از این کودکان در سنین بسیار پایین رها شده‌اند و آگاهی اندکی دربارهٔ خانواده‌شان دارند یا اصلاً اطلاعی ندارند. به این همین دلیل، به ندرت راه موفقی برای ادغام مجدد آنان در محیط خانوادگی‌شان وجود دارد (خان و هسکت، ۲۰۱۸)

در پروژه سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۳) در تعریف کودکان خیابانی، چهار مشخصه زیر را عنوان می‌کنند:

کودکانی که در خیابان زندگی می‌کنند و اولین نگرانی آنان زنده ماندن و داشتن سرپناه است؛

کودکانی که از خانواده خود جدا می‌افتند و موقتی در مأمی مانند خانه‌های متروکه، سایر ساختمان‌ها، پناهگاه‌ها و سرپناه‌ها زندگی می‌کنند و یا از منزل یک دوست به منزل دوست دیگر می‌روند؛

کودکانی که تماس خود را با خانواده حفظ می‌کنند، ولی به علت فقر، پرجمعیت بودن و یا سوءاستفاده‌های جنسی و جسمی از آنان در خانواده، بعضی شب‌ها و بیشتر ساعات روز را در خیابان‌ها سپری می‌کنند؛

کودکانی که در مراکز ویژه نگهداری می‌شوند اما قبلاً در وضعیت بی‌خانمانی به سربرده‌اند و در معرض خطر بازگشت به همان وضعیت هستند (حسینی، ۱۳۹۵).

نیازی نیز در کتاب خود «کودکان خیابانی» در تعریفی از این کودکان می‌نویسد: «کودکان خیابانی گروهی از کودکان هستند که بخش عمده‌ای از آنان به ناچار یا به دلخواه خود روابطشان را با خانواده، بریده‌اند و یا روابط کمی با خانواده دارند و خیابان‌ها را به عنوان محل زندگی خود انتخاب کرده‌اند. ویژگی اصلی اجتماعی کودکان خیابانی این است که احساس امنیتی را که به طور طبیعی در خانواده طی مراقبت، تغذیه، آموزش و بازی با کودکان فراهم می‌کنند، به دست نمی‌آورند» با وجود این، از پذیرفته شده‌ترین تعاریف و طبقه‌بندی‌های کودکان خیابانی، تعریفی است که یونیسف در سال ۲۰۰۳ از کودکان خیابانی به عمل آورد و آنان را به دو گروه تقسیم کرد:

الف: کودکان در خیابان: این گروه کودکان شاغل در خیابان هستند. این کودکان از خانواده‌های کم درآمد و پرجمعیت آمده‌اند و علت بودن آنان در خیابان، کسب درآمد است. در این گروه، احساس تعلق به خانواده وجود دارد اما میزان این ارتباط متفاوت می‌باشد و ممکن است چندبار در سال باشد. برخی از این کودکان به مدرسه می‌روند و هرچند ممکن است در فضای روابط درون خیابان درگیر مشکل‌هایی مانند مصرف مواد مخدر و رفتارهای خلاف قانون شوند اما به طور کلی، رفتارهای مجرمانه محدودی نسبت به گروه دوم دارند.

ب: کودکان خیابان: این گروه از کودکان هر چند قشر کوچ‌تری از کودکان خیابانی را تشکیل می‌دهند اما مشکل‌های آنان نسبت به گروه اول بسیار پیچیده‌تر است. برای این گروه از کودکان خیابانی، خیابان به منزله خانه می‌باشد. آنان در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند و دیگر افراد خیابانی برای آنان حکم خانواده را پیدا کرده‌اند. این کودکان با مدرسه بیگانه‌اند و ممکن است در شرایط ناامن، قربانی آزار جسمی و جنسی شوند. بسیاری از کودکان این گروه مورد سوءاستفاده گروه‌های غیرقانونی و تبهکار قرار گرفته‌اند و از آنان در قاچاق و توزیع مواد مخدر، دزدی و سایر فعالیت‌های خلاف قانون مانند پونوگرافی و تجارت جنسی کودکان استفاده می‌شود (حسینی و درابی، ۱۳۹۶).

در ماده یک فصل اول آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب هیئت وزیران ۱۳۸۴ نیز، کودک خیابانی فرد کمتر از ۱۸ سال تمام است که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و ارتباط او با خانواده به حداقل می‌رسد و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد.

کودکان خیابانی در کشورهای مختلف اصطلاح ویژه خود را دارند. در انگلستان به آن‌ها Street children، در آمریکا Street Kids، Street Cats و در ایتالیا و سومالی Children of tunnels بچه‌های تونل (مترو) می‌گویند. برخی از صاحب نظران معتقدند که واژه «کودکان خیابانی» در دهه ۱۹۸۰ برای تشریح کودکانی به کار رفت که اکثر اوقات خود را در خیابان‌ها با

مشاغل مختلف سپری می‌کردند. طبق تعریف یونیسف کودکان زیر ۱۸ سال که عمده وقت خود را بدون سرپرستی و نظارت بزرگسالان به مشاغل رده پایین می‌گذرانند «کودکان خیابانی» خوانده می‌شوند. در بررسی سیر تاریخی پدیده کودکان خیابانی در جهان و ایران به این نتیجه می‌رسیم که این پدیده در اعصار گذشته نیز وجود داشته است؛ با وقوع انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ سیر هجوم روستائیان به شهرها برای کار در کارخانه‌ها و درآمد بیشتر آغاز شد. این امر موجب حاشی هنجشینی برخی از افراد جامعه گشت که یا بیکار ماندند یا به جهت عائله مندی و عدم مهارت کافی درآمد مناسبی پیدا نکردند. در این شرایط، کودکان ولگرد و متکدی قارچ‌گونه در شهرهای بزرگ رشد و نمو کردند. رد پای اینگونه کودکان را در ادبیات رئالیست اروپا مانند «الیوتیست» قهرمان داستا نه‌ای چارلز دیکنز و «گاوروش» شخصیت رمان بینوایان می‌توان یافت، که زندگی آنان شبیه کودکان خیابانی امروز است. در سال ۱۹۴۹ کنفرانس بین‌المللی کارشناسان و مدیران جوامع اطفال در بلژیک به موضوع کودکان خیابانی پرداختند و دکتر «ژان سزال» قاضی دادگاه اطفال فرانسه در سخنرانی خود تحت عنوان دسته‌های ضداجتماعی اطفال و بازگشت دادن آن‌ها به محیط و جامعه از اصطلاح «کودک کوچه» استفاده می‌کرد.

در این کنفرانس «ونتورینی» محقق ایتالیایی سخنرانی خود را تحت عنوان «اطفال کوچه» ارائه داد و در آن به ذکر عواملی که موجب رها شدن کودکان در خیابان و ولگردی آنان می‌شود، پرداخت (روشن پژوه و همکاران، ۱۳۹۸).

در سال ۱۹۵۰ یونسکو مباحث ارائه شده در این کنفرانس را در نشریه‌ای تحت عنوان «کودک ولگرد» به چاپ رسانید. بیشتر این کودکان در کشورهای در حال توسعه هستند. آمار دقیقی از کودکان خیابانی در ایران وجود ندارد، ولی تعداد آن‌ها بیش از ۱ میلیون نفر تخمین زده شده است.

معمولاً سن این کودکان از ۵ تا ۱۸ سال است. این سن بر حسب سن خروج از قیمومت یا حضانت در کشورها تغییر می‌کند. Children of Street اغلب آنتی سوسیال‌اند؛ زیرا در محیط آشفته خانوادگی یا محیط‌های غیراجتماعی، بزرگ شده‌اند و جامعه نگرش مثبتی به آن‌ها ندارد. غالباً مورد خشونت والدین یا مأموران دولتی قرار می‌گیرند و دارای شخصیتی متزلزل و معمولاً فاقد حس قدرشناسی هستند؛ از هر قاعده و قانونی گریزانند و معمولاً بطور متناوب از خانه یا مدرسه می‌گریزند و براحتی یکدیگر را در خیابان یافته، تشکیل گروه یا باند را می‌دهند و باند آن‌ها از آنها حمایت مادی و معنوی می‌نماید؛ همان امری که در محیط خانواده، تحصیل و جامعه بدان توجهی نشده است. آن‌ها معمولاً دارای رفتاری پرخاشگر هستند و اعمال مجرمانه آن‌ها را می‌توان نوعی انتقام از جامعه و خانواده دانست. کودکان خیابانی در صورت محبت و جلب اعتماد، به دلیل کم سن بودنشان قابل اصلاح و بازپروری هستند.

در ۱۹۹۷ تعریف دیگری از یونیسف صادر شد که بنا بر آن، «کودک خیابانی» به کودکانی گفته می‌شد «که در شهرهای بزرگ برای ادامه زندگی خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها بودند» به نظر می‌رسد نقدی بر این تعریف نیز وارد باشد؛ چرا که کودکانی در خیابان‌ها هستند که به اختیار خود در خیابان کار می‌کنند نه زندگی؛ ولی قسمت عمده‌ای از وقت آن‌ها در خیابان سپری می‌شود. به نظر من «کودک خیابانی» به کودکی گفته می‌شود که «در سنین زیر ۱۸ سال اوقات خاصی از عمر خود را تنها یا به صورت جمعی در خیابان‌ها گذرانیده و به خاطر امرار معاش مجبور به انجام کارهای پست بوده است.» یونیسف کودکان خیابانی را در ۴ گروه تعیین می‌نماید:

۱. کودکانی که تنها نگرانی آن‌ها بقا و پناه می‌باشد و در خیابان‌ها زندگی می‌کنند.
۲. کودکانی که از خانواده خود جدا شده، در اماکن مختلف مثل کانون‌ها و ساختمان‌های متروکه یا با دوستان زندگی می‌کنند.
۳. کودکانی که ارتباط خود را با خانواده هایشان حفظ نموده‌اند، ولی بدلیل فقر و عائله زیاد خانواده و سایر عوامل، بیشتر روزها و بعضی شبها را در خیابان می‌گذرانند.

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی
۴. کودکانی که تحت مراقبت مؤسسه‌های هستند و از وضعیت بی‌خانمانی درآمده‌اند یا به علت ارتکاب جرایمی در کانون‌های
اصلاحی بازداشت هستند. (همان: ۲۴۲).

با بررسی این ۴ گروه می‌توان گفت گروه چهارم معمولاً به دلیل اینکه تحت نظارت مؤسسات و کانون‌ها هستند، خیابانی محسوب
نمی‌شوند و شاید بتوان گفت این کودکان دو گروه عمده هستند:
- کودکان در خیابان که مراد از ایشان همان کودکان گروه سوم است.
- کودکان خیابان که معروف به کارتن خواب‌ها، قطارخواب‌ها و سینما خواب‌ها هستند.

۷-۱. علل پدیده کودکان خیابانی

۷-۱-۱. آسیب‌شناسی فردی

مدت‌های طولانی، مقامات شهرها و کشورهایی که کودکان خیابانی در آن‌ها وجود داشتند، اظهار می‌کردند که کودکانی که
خیابانها را پر کرده‌اند، مشکلات فردی دارند و به عبارتی مجرم و با محیط ناهمگون‌اند. در کشورهای درحال توسعه، در بسیاری
از سطوح حکومت معتقد بودند وضعیت روانشناختی نامطلوب این کودکان، آن‌ها را به سوی زندگی بزهکارانه می‌کشاند، اما
مطالعه‌های لوئیس آپتکار در مورد وضعیت نورولوژیک و هیجانی این کودکان نشان داد که سلامت روان این کودکان مساعد
است. با اینحال نمی‌توان انکار کرد که زندگی در خیابان، رفتارهای ناسالم روانی و جسمی تولید می‌کند. همین‌طور زندگی در
خیابان، فعالیت‌های مجرمانه مانند دزدی و تنفروشی را تشویق می‌کند (ممتاز، ۱۳۹۷).

۷-۱-۲. آسیب‌ها و فقر خانواده

بیشتر محققان، علت پدیده کودکان خیابانی را فردی نمی‌دانند؛ بلکه آن‌ها را در آسیب‌ها و/یا فقر خانواده می‌بینند. پژوهش‌های
متعدد در بسیاری از کشورهای درحال توسعه جهان نشان داده است که روابط ناکارآمد و فشارهای اقتصادی خانواده، نقش
تعیین‌کننده‌ای در ترک خانه از سوی کودکان دارد. بسیاری از کودکان خیابانی، از خانواده‌هایی می‌آیند که در آن‌ها آزار و
بی‌توجهی می‌بینند؛ برای مثال، پاتل براساس مصاحبه با هزار کودک خیابانی در بمبئی به این نتیجه رسیده است که علت اصلی
حضور کودکان در خیابان، خشونت در خانواده است. حجم زیادی از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که این خود آسیب‌های خانوادگی
در موارد زیادی، از فقر خانواده سرچشمه می‌گیرند (ممتاز، ۱۳۹۷).

۷-۱-۳. شهرنشینی سریع

اگرچه مرور ادبیات موضوع نشان می‌دهد که حداقل بخشی از پدیده کودکان خیابانی شهری از طریق فقر و آسیب‌های خانواده
توضیح داده می‌شود، یکی از علتهای چنین آسیب‌هایی در خانواده، نبود منابع شهری است که افراد در آن زندگی می‌کنند.
برنشتاین و گری می‌گویند: پدیده کودک خیابانی، محصول فرعی جامعه‌ای است که در معرض صنعتی شدن و شهری شدن
سریع قرار گرفته است، اما یک زیربنای خدمات اجتماعی قوی ندارد. با افزایش مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ، جمعیت
شهری بزرگ و تقاضا برای خدمات و زیرساخت‌های شهری که قادر به تأمین آن نیستند، بهشدت افزایش یافته است. این امر به
گسترش شدید مناطق حاشیه‌ای و زاغه‌ها در شهرهای بزرگ منجر شده است. افسردگی، خشم، اضطراب و ناامیدی والدین در
رویاری با فقر، بیکاری، بیگانگی اجتماعی و نبود پایه‌ای‌ترین خدمات، به رفتارهای خشن و بدرفتاری با کودکان و فرار کودکان
از خانه منجر می‌شود. در چنین شرایطی، کمبود امکانات برای ارتقای کودکان به شرایط بهتر، مانند دسترسی نداشتن به امکانات
تحصیلی و هزینه‌های تحصیل، در کنار نبود سایر امکانات حمایتی خانواده، به تداوم کار کودکان در خیابان می‌انجامد (ملکی،
۱۳۹۸).

۴-۱-۷. سیاست‌های ملی و فقر

هرچند بسیاری از پژوهشگران، کمبود امکانات در سطح محلی را در پدیده کودکان خیابانی مؤثر می‌دانند، بسیاری نیز بر نقش سیاست‌های ملی در زندگی کودکان در خیابان تأکید می‌ورزند. در این حوزه، سه دسته عامل بیشتر مطرح شده‌اند: ناآرامی‌های مدنی، ساختار سیاسی و اقتصاد ملی؛ برای مثال، پژوهشها در ایرلند، سودان، کنیا، نیکاراگوئه و گواتمالا، منشأ ظهور کودکان

خیابانی در این کشورها را وقوع ناآرامی‌های داخلی می‌دانند. در مقابل، در بعضی کشورها مانند آفریقای جنوبی، نظام سیاسی ملی (آپارتاید) یا تبعیض نژادی، بسیار بیش از ناآرامی‌های داخلی، کودکان را به خیابان رانده است. همچنین یکی از دلایل مهم خیابانی شدن کودکان در سطح ملی، فقر کشور است. کودکان کشورهای فقیر بیشتر احتمال دارد که والدین فقیر داشته باشند، در خانه‌های تک‌والد و خانه‌هایی با شرایط زیر استاندارد زندگی کنند، آزار ببینند، تحصیل را رها کنند و خود را برای تلاش برای زنده ماندن در خیابان بیابند (همان: ۱۴۲).

۵-۱-۷. رویکردهای نظری در ارتباط با کودکان خیابانی

پدیده کودکان خیابانی نیز، همچون هر پدیده اجتماعی دیگر، رویکردهای متفاوتی را در زمینه نظری برانگیخته است که هرکدام معرف نوع خاصی از مبانی معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی تبیین و درک پدیده‌های اجتماعی هستند. در زیر تلاش شده است تا برخی از نظریات مرور شوند.

۶-۱-۷. نظریه فشار ساختاری

بر اساس این نظریه، فشار اجتماعی سبب کج رفتاری افراد می‌شود. مرتن معتقد است هنگامی که بین اهداف نهادی شده و وسایل نهادی شده برای نیل به آنها، هماهنگی وجود دارد و بیشتر افراد جامعه برای دستیابی به اهداف و ارزش‌های نهادی شده، طبق هنجارهای مقرر یا وسایل نهادی شده عمل می‌کنند، شیوه‌های انطباق فردی یا مسائل و آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد یا بسیار محدود است.

اما هنگامی که تبلیغ و تأکید فراوانی، در مورد اهداف نهادی شده به وسیله نظام جامعه‌پذیری وجود دارد و سطح توقع‌های مردم برای دستیابی به تحرک اجتماعی افزوده شده است اما وسایل و شیوه‌های نهادی شده برای نیل به این اهداف فراهم نیست یا این شیوه‌های نهادی شده برای همگان قابل دسترسی نیست، عدم تعادل ساختاری، بی‌سازمانی اجتماعی و شیوه‌های انطباق فردی نمود می‌یابد (واتایا و همکاران، ۲۰۱۷).

این وضعیت در جوامع در حال توسعه که نیروی انسانی به عنوان محرک توسعه در نظر گرفته می‌شود، فشار بیشتر و در نتیجه، بی‌سازمانی اجتماعی، آنومی و رفتارهای انحرافی بیشتر به وجود می‌آورد (نیازی، ۱۳۹۸).

۷-۱-۷. نظریه کنترل (پایش) اجتماعی

پایش اجتماعی را از مهم‌ترین مباحث اجتماعی می‌دانند. برخی تا آنجا پیشرفته‌اند که نه تنها تمامی جامعه‌شناسی، بلکه علوم اجتماعی را مباحثی در حوزه پایش اجتماعی می‌دانند. پایش اجتماعی با اولین گام‌های انسان‌ها به سوی تکوین جامعه پدید می‌آید و هیچ جامعه‌ای از آن روی گردان نیست. از آنجا که جامعه یا گروه اجتماعی همواره در صدد است حتی ناپیداترین رفتار انسانی را در پایش خویش درآورد، پس سخن نه در لزوم یا عدم لزوم پایش اجتماعی است، بلکه در حدود آن، شیوه‌ها و روش‌های اعمال شده از جانب جامعه در راه تحقق آن و انواع آن است. یکی از شیوه‌های اساسی پایش اجتماعی، آموزش رفتار اجتماعی از آغاز کودکی است. با این شیوه، هنجارها، قواعد و الگوهای اجتماعی در اعماق ذهن انسان‌ها جای می‌گیرد (ملکی، ۱۳۹۸). فرض اصلی در این نظریه آن است که افراد به طور طبیعی تمایل به کج‌رفتاری دارند و اگر تحت پایش قرار نگیرند، چنین می‌کنند و

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی

کج رفتاری اشخاص بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی ناپهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است (آرزومندی و روشن پژوه، ۱۳۹۵). نظریه پایش اجتماعی، کج رفتاری را نتیجه نبود نظارت اجتماعی می‌داند.

۸-۱-۷. نظریه یادگیری اجتماعی

طبق این نظریه، رفتار انحرافی و مجرمانه در تماس با سایر اشخاص و در جریان یک ارتباط (به عنوان یادگیری اجتماعی در رود جامعه پذیری) آموخته می‌شود. نظریه یادگیری اجتماعی، کج رفتاری و انحراف‌ها را نتیجه یادگیری هنجارها و ارزش‌های انحرافی

به ویژه در چارچوب خرده فرهنگ‌ها و گروه‌های همسالان می‌داند. ساترلند به عنوان مهم‌ترین نظریه پرداز این چارچوب، معتقد است که افراد به این علت کج رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی شان به نسبت تماس‌های غیرانحرافی شان بیشتر است. از دید ساترلند، جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگی در گروه‌های اجتماعی رخ می‌دهد. البته نظریه ساترلند تکمیل کننده نظریه شاو و مک کی می‌باشد که مسئله یادگیری در محیط اجتماعی آلوده به فساد را مطرح می‌کند (ممتاز، ۱۳۹۷). ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می‌گیرند که کج رفتار شوند.

۹-۱-۷. رویکرد تضاد

این رویکرد موضوع آسیب‌ها و کج رفتاری‌ها را بیشتر به شکل طبقاتی می‌بیند و ریشه آن را در قشربندی جامعه جست‌وجو می‌کند. عده‌ای اندک ثروت جامعه را در دست دارند و در عمل گروه‌های قدرتمند تمایل‌های خاص اقتصادی و سیاسی دارند و قدرتمندان قوانین را با معیارهای طرف داری از منافع طبقاتی خود به تصویب می‌رسانند (اکبری، اکبری، ۱۳۹۸، ص ۹۵). طبق این رویکرد، فقر و شرایط اقتصادی علت اصلی پدیده کودکان خیابانی است.

۱۰-۱-۷. نظریه طرد اجتماعی

طرد اجتماعی مفهومی فراتر از فقر و تهیدستی است. مفهوم طرد اجتماعی در واقع موضوع جدیدی نیست، بلکه می‌تواند همان موضوعی باشد که اسمیت در قرن ۱۸ به آن اشاره و از آن به عنوان اعلام و اظهار ناتوانی که در جامعه بدون شرمندگی بروز می‌کند، یاد کرده است (سن، ۱۳۹۶، ص ۷۵). واژه محرومیت اجتماعی از میانه‌های دهه ۱۹۸۰ رایج گشته است و اغلب به جای واژه فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد. طرد اجتماعی در واقع نوعی رانده شدن است و معمولاً در برابر مشارکت قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه، طرد اجتماعی و فقدان قابلیت‌های اجتماعی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند؛ بنابر این، هرچه فرد از کمبود یا فقدان قابلیت‌های اجتماعی مانند سطح سواد، س‌المتی و مهارت شغلی برخوردار باشد، به همان میزان از منابع مادی، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی به دور خواهد بود و در نتیجه دچار طرد اجتماعی خواهد گردید (افشانی و همکاران، ۱۳۹۷).

۱۱-۱-۷. نظریه برچسب زنی

برچسب زدن نوعی کنش متقابل نمادین است که بین کج روان و همنوایان به وجود می‌آید. این نظریه با مفاهیمی که افراد گروه از دیگران آموخته‌اند، سروکار دارد. این نظریه نفس رفتار افراد همنوای و کج رو را متمایز نمی‌کند، بلکه اعمال افراد همنوایی جامعه است که این تمایز رفتاری را بر ملا می‌سازد. همنوایان رفتارهای انحرافی را تفسیر می‌کنند و به میل خود برچسب‌های انحرافی را به دیگران نسبت می‌دهند (اکبری، اکبری، ۱۳۹۸). هر یک از این تئوری‌ها به تناسب تعریف و برداشت خود از جهان، انسان و واقعیت اجتماعی، به بررسی مسائل اجتماعی می‌پردازند. به عنوان مثال کسانی که از دیدگاه کلان نگرانه و ساختاری به مسائل اجتماعی می‌نگرد بیشتر با روش‌های علت کاوانه به تحلیل عوامل اجتماعی عینی و ساختاری مسائل اجتماعی در سطح کلان توجه دارند. در حالی که محققانی که دارای دیدگاه‌های خرد، فردگرا و نمادگرا هستند، بیشتر به مبانی ذهنی و الگوهای کنشی افراد توجه می‌نمایند و مسائل اجتماعی را در ارتباط با ویژگی‌های فردی و ذهنی افراد در سطح خرد مورد تحلیل قرار می‌دهند.

۱۲-۱-۷. عوامل خیابانی شدن کودکان

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که علت اصلی حضور بیشتر کودکان در خیابان، مشکل اقتصادی است. به اعتقاد این گروه از صاحب‌نظران، علت اصلی حضور کودکان در خیابان انجام کار و کسب درآمد است. به طور مثال اوجانگا در تحقیقی نشان داد که حضور کودکان در خیابان به سبب فقر و نیاز خانواده به درآمدی است که این کودکان کسب می‌کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۷). لاسک نیز در مطالعه‌ای که در خصوص کودکان خیابانی در کشورهای مختلف آمریکای لاتین از جمله برزیل، کلمبیا، اکوادور و پرو انجام داد، در مصاحبه با صدها کودک خیابانی، بارها این مفهوم را از کودکان شنید که آنان برای کار کردن و پول درآوردن در خیابان هستند چرا که خانواده پول کافی ندارد (وامقی و همکاران، ۱۳۹۷).

با وجود این، همه مطالعات از فرضیه فقر پشتیبانی نمی‌کنند و علل دیگری را نیز در این مسئله مهم می‌دانند. آپتکار معتقد است برای درک اینکه چرا کودکان خیابانی می‌شوند، همواره باید وضعیت روانشناختی کودکان و خانواده‌های آنان، درک از زندگی در خیابان و درجه وجود فرهنگ کودک خیابانی را در نظر گرفت.

وی به مطالعه روزا و همکاران (۱۹۹۲) در برزیل اشاره می‌کند که از سویی دلایل اقتصادی را مهم‌ترین علت بودن کودکان در خیابان دانسته و از سوی دیگر، نشان داده‌اند که پدران کودکان خیابانی دو برابر بیش از پدران گروه شاهد کودکان فقیر خانه را ترک کرده‌اند. وی معتقد است که تفاوتهای فرهنگی نیز در این امر مؤثرند، به گونه‌ای که در جوامع درحال توسعه ممکن است فقر عامل ضروری برای ورود کودکان به خیابان و طرد از خانواده فرآیندی ثانویه باشد، اما در جهان توسعه یافته، نقش این دو عامل وارونه می‌شود.

دیدگاه دیگر نظریه بی‌سازمانی اجتماعی است که در بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی به شرایطی توجه دارد که به از هم گسیختگی، ضعف، تناقض و ناکارآمدی قواعد، هنجارها و ساخت‌های اجتماعی منجر می‌شوند. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی نقش عوامل ساختاری را که مانع انطباق و سازگاری گروه‌ها و قشرهای اجتماعی یا خرده نظام‌ها و نهادهای جامعه با تغییرهای اجتماعی و محیطی سریع می‌شوند را بررسی می‌کند. طبق این نظریه می‌توان فرض کرد که کودکان خیابانی انعکاسی از شرایط زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قشرهای ته‌یدست و آسیب‌پذیر است که نتوانسته‌اند در جریان مواجهه با تحول‌های اجتماعی، با شرایط موجود انطباق یابند (حسینی، ۱۳۹۵).

نظریه فرهنگ فقر یکی دیگر از نظریاتی است که در حوزه کودکان خیابانی مطرح می‌شود. بر اساس این دیدگاه، بسیاری از افراد فقیر فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقرند و در نتیجه آنان قادر نیستند از کمکهای اقتصادی برای بهبود وضع خود سود جویند.

کوتاه بودن دوران کودکی به گونه‌ای که فرزندان در سنین پایین وظایف بزرگ‌ترها را به عهده می‌گیرند، محروم بودن کودکان از حمایت‌های لازم خانوادگی، شروع روابط جنسی در سنین پایین، آزادی و استقلال فرزندان برای ترک خانه، استقلال نسبی فرزندان برای انجام برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر سیگارکشیدن و شرب مشروبات الکلی از شاخص‌های دیگر فقر است. توجه به زمان حال همراه با ناتوانی از چشم‌پوشی موقت از بعضی چیزهای خوشایند کم‌ارزش در زمان حال به دلیل چیزهای خوشایند بزرگ‌تر در آینده، میل به گوشه‌گیری و نسبت دادن عدم موفقیت خود به قضا و قدر و مدسالاری شدید از یک سو خرده فرهنگ فقر را شکل می‌دهد از سوی دیگر، زمینه بزهکاری افراد را فراهم می‌کند (احمدی خوئی، ۱۳۹۷).

برینک در مطالعات تحقیقاتی خود بر اساس نتایج مطالعاتی جهانی تا سال ۱۹۹۵، عوامل مؤثر در بروز و تقویت این پدیده اجتماعی را به چهار دسته اصلی تقسیم نموده است:

-عوامل ریشه‌ای اجتماعی مانند مشکل و فقر اقتصادی، ناآرامی سیاسی، رشد سریع جمعیت، بیکاری، بلایای طبیعی؛

-عوامل زمینه‌های اجتماعی مانند توزیع ناعادلانه منابع و خدمات و شرایط نامطلوب کاری؛

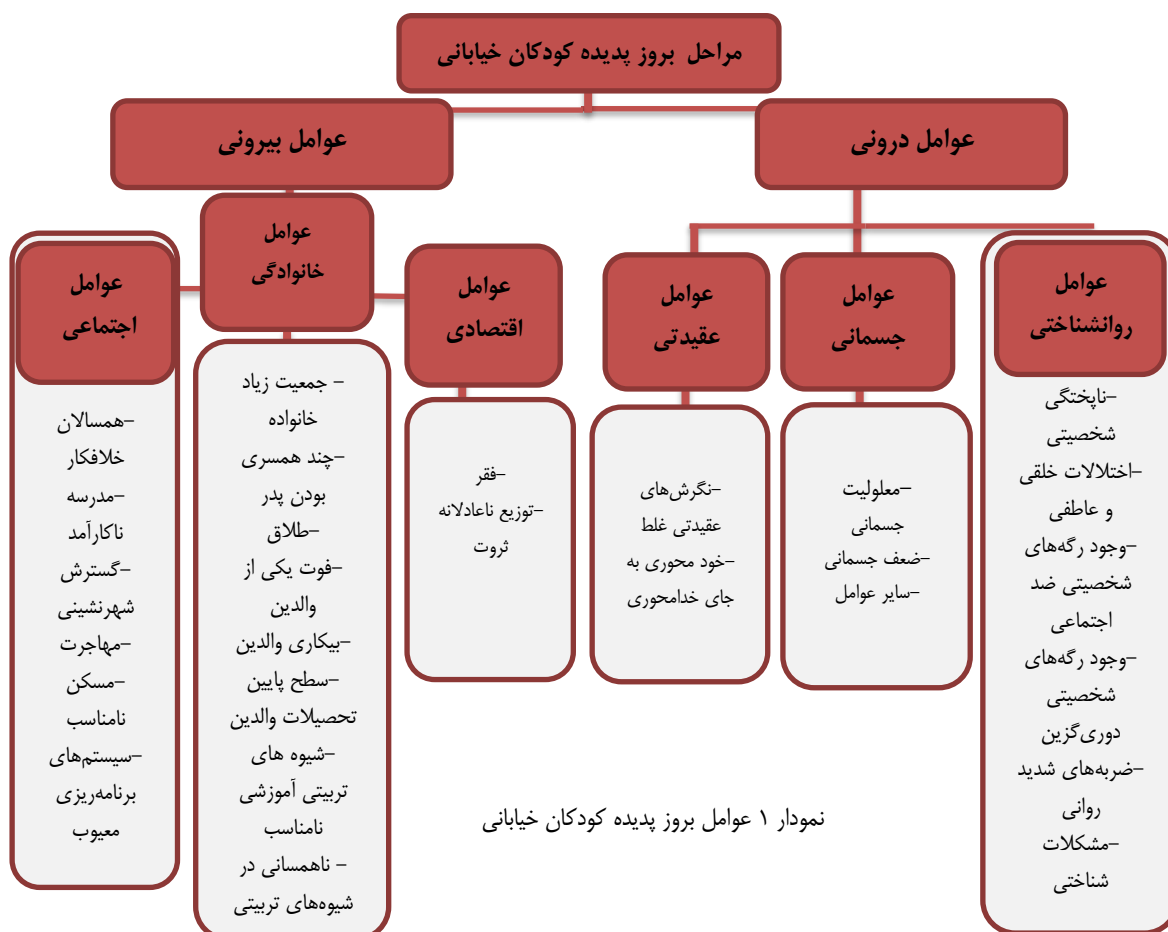
بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی عوامل مستقیم مانند خانواده‌های بزرگ و فقیر، نرخ بالای طلاق و اعتیاد به الکل و بدرفتاری جسمی و روانی در خانواده، فقدان توجه و عاطفه در خانواده، میزان بالای بیکاری، سطح پایین تحصیلات والدین؛ عوامل دیگر مانند کمک کودکان به معیشت خانواده، طرد کودکان توسط خانواده‌ها، ترک خانه به دلیل بدرفتاری خانواده به نظر می‌رسد دسته چهارم عوامل را می‌توان در بین سه عامل قبل تقسیم نمود. با مرور منابع مختلف درباره کودکان خیابانی و جمع‌بندی آنها، چند دیدگاه نظری را در ارتباط با عوامل خیابانی شدن کودکان می‌توان مطرح کرد. تبیین اول منشأ کودکان خیابانی را فقر شهری منتسب می‌کند. تبیین دیگر منشأ آنها را انحراف خانواده‌ها منتسب کرده است. تبیین سوم نیز، بر مدرنیزاسیون تأکید دارد. دیدگاه چهارم نیز بر ناکارآمدی قواعد و هنجارهای اجتماعی تأکید می‌کند و نقش عوامل ساختاری را مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارتی، عوامل مختلفی همچون عوامل اقتصادی (بیکاری، فقر، بی عدالتی، فاصله زیاد طبقاتی، مشاغل کم درآمد پدران)، عوامل اجتماعی (ازدیاد جمعیت، مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به بزرگ، ساختار جمعیت)، عوامل خانوادگی (خانواده‌های پرجمعیت، خانواده‌های پرتنش، فوت یا جدایی والدین، اعتیاد خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، وجود ناپدری یا نامادری)، عوامل زیستی (بحران هویت، بحران بلوغ، فرار از خانه، اعتیاد و...) و نبود نظارت‌های دولتی در دفاع از حقوق کودکان می‌تواند بر شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی تأثیر داشته باشد.

۷-۲. خطرهای کار و زندگی در خیابان

کار و زندگی در خیابان با مخاطره‌های مختلفی برای کودکان به ویژه کودکان کوچکتر همراه است. کارشناسان معتقدند که کار خیابانی رشد جسمی، جنسی و روانی کودکان را به تأخیر می‌اندازد.

۷-۳. خطرهای جسمی و جنسی

کودکان خیابانی، وضعیت تغذیه‌ای مناسبی ندارند و ساعات طولانی بودن در خیابان، آن‌ها را در معرض شرایط آب‌وهوایی نامطلوب و حوادثی قرار می‌دهد. از طرفی مراقبت ناکافی بزرگسالان و شرایط اقتصادی اجتماعی خانواده سبب می‌شود کودکان مراقبت بهداشتی و درمانی کافی- نداشته باشند، از جمله برای بسیاری از کودکان، واکسیناسیون انجام نشده است یا ناقص است.



۷-۴. پیامدهای خیابانی شدن کودکان

صرفنظر از عوامل ایجادکننده، کودکان خیابانی به خودی خود منشأ بی‌ثباتی هستند، زیرا بسیاری از تنش‌ها و آشوب‌های اجتماع را همین افرادی که به نحوی دستخوش انحراف‌ها گردیده‌اند، شکل می‌دهند (جعفری، ۱۳۹۸). در ادبیات رفاه، امروزه کودکان خیابانی در طبقه کودکان معرض خطر جای گرفته‌اند. کودکان خیابانی از محروم‌ترین گروه کودکان هستند که از بیشترین حقوق خود بی‌بهره‌اند. حق برخورداری از تغذیه، پوشاک، بهداشت، مسکن مناسب، حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش، حق برخورداری از زندگی با پدر و مادر، حق استفاده از اوقات فراغت، حق برخورداری از تأمین اجتماعی و در نهایت حق زندگی سالم و انسانی از آنان سلب شده است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۶).

مروری بر ادبیات کودکان خیابانی در کشورهای مختلف جهان، وجود مشکل‌های جسمی، روانی و اجتماعی کودکان خیابانی را مورد تأیید قرار می‌دهد. تئودوریک و گمو در مرور مطالعات کودکان خیابانی در کشورهای مختلف جهان مانند روسیه، لاتویا، کشورهای امریکای لاتین، کلمبیا، گواتمالا، بلغارستان، هند و کشورهای آفریقایی شامل رواندا، کنیا، آفریقای جنوبی، سوازیلند و زیمبابوه به این نتیجه رسیدند که زندگی در خیابان، کودکان را در معرض بیماری‌های فراوانی قرار می‌دهد که در شرایط عادی قابل درمان هستند. آنان با لبان ترک خورده و چشمان قرمز دچار مسائل ناشی از سرما مانند گلودرد، سردرد و سوزش بینی، همچنین تهوع، کاهش وزن شدید، سینه پهلوی، مالاریا و سوءتغذیه هستند. وی به نقل از شرانک (۱۹۹۹) می‌گوید که بسیاری از کودکان خیابانی از بیمار یهای پوستی مانند شیش، گال، زخم‌ها و لک‌های دور دهان رنج می‌برند.

۷-۵. اشتغال، رنج و کار کودکان خیابانی

سازمان بین‌المللی کار در گزارشی اعلام کرده که بیش از ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در جهان به کار اجباری و بردگی مشغول هستند. در این گزارش نقل شده ۷۳٪ کودکان کارگر جهان هم‌اکنون در بدترین نوع شرایط کار نظیر کار الزام آور، قاچاق مواد مخدر و کالا، سوءاستفاده جنسی و نیز کارهای مخاطر‌ناگیز فعالیت می‌کنند.

«کارول برامی» مدیر اجرایی یونیسف طی سخنرانی گفت: برای رفع این پدیده خطرناک در جهان نیازمند آن هستیم که رهبری قاطعی از دول تنها ببینیم. براساس بررسی‌های پزشکی قانونی غالب کودکان ولگرد خیابانی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و به ناچار تن به هر کاری داده‌اند.

دکتر فرجاد روانشناس اجتماعی می‌گوید: آمارهای کودکان خیابانی غیرواقعی هستند و در نقاط گوناگون تهران بیش از ۲۰ هزار کودک شاغل وجود دارد که روزانه ۱۵۰ نفر از آنها جان خود را از دست می‌دهند. باندهای سودجو با چتر حمایت از کودکان محتاج آن‌ها را جذب نموده، به مشاغل غیر اخلاقی و غیرقانونی وامی‌دارند.

کودکان خیابانی از ۶/۳۰ تا ۷ صبح لغایت ۹ تا ۱۰ شب مشغول کار هستند. زیرا از سوی والدین و صاحبکاران، مقدار فروش روزانه آنان از قبل تعیین شده است و این فرشتگان کوچک محروم با تلاش ۱۲ ساعته در روز سعی می‌کنند به این حد نصاب دست یابند. در نتیجه مجبورند با اصرار زیاد اجناس خود را به مشتریان بفروشند.

کار و اشتغال کودکان معضلی فراگیر در سراسر جهان بخصوص در کشورهای در حال توسعه است. در همین راستا کودکان در معرض استثمار شدید به شکل کار سخت در ساعات طولانی برای حداقل درآمد هستند و شرایط کاری آنان نامناسب است و مانع رشد فکری و فیزیکی آنان می‌شود. کشور هندوستان بالاترین نرخ کار کودک را داراست؛ زیرا ۸۲ میلیون کودک در این کشور به مدرسه نمی‌روند و فقط اقلیتی از کودکان از تحصیلات کیفی برخوردارند.

سوآلی که اینجا مطرح است این است که آیا جهانی سازی درصد بهره‌گیری بیشتر از کار کودکان است یا واقعاً می‌خواهد آن را کاهش دهد؟ آیا عاقلانه است که فرض کنیم جهانی شدن در درازمدت پرمفعت خواهد بود؟ برآستی افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه و دستیابی وسیعتر به بازارهای جهانی برای فروش کالاهای ساخته شده توسط شرکت‌های خارجی یا داخلی در آن کشور باید در صادرات آن ترقی ایجاد نماید و مولد مشاغل مدرن باشد. در حالیکه در سال‌های

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی

اخیر شرکت‌های چندملیتی شغل‌های نسبتاً اندکی را در کشورهای در حال توسعه تولید کرده‌اند و آنچه مسلم است، این است که هر چه تعداد کارگران بزرگسال بیشتری در بخش‌های غیرساختاری اقتصاد وارد شوند، ثبات شغلی و سودمندی بیشتری خواهند داشت. لذا کودکان خود را به کار نمی‌گمارند و آن‌ها را به تحصیل وامی‌دارند. بنابراین کشورها باید از پذیرش اقدامات بنیادی نظیر اخراج ناگهانی و در مقیاس بالا، یا حذف ناگهانی شرکت‌های دولتی برای محصولات ضروری اجتناب کنند؛ زیرا چنین اقداماتی می‌تواند تعداد خانواده‌هایی را که در فقر مطلق بسر می‌برند، افزایش داده متعاقباً فرزندان آن‌ها را نیز به فقر مطلق بکشاند و زمینه‌های گسترش فضای نامناسب برای مشاغل نادرست را در خانواده ایجاد کند.

در نهایت علل و عوامل مهم اجتماعی را که در بروز پدیده کودکان خیابانی مؤثر است، می‌توان بدین شرح نام برد:

۱. عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه و وجود اختلاف شدید طبقاتی
۲. عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت
۳. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و سنت‌ها و ب‌تفاوتی شهروندان در برابر اشتغال کودکان
۴. مهاجرت از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ به دلیل بلایای طبیعی، فقر، فقدان امکانات شغلی
۵. مهاجرت‌های بین‌المللی مثلاً ۵۵٪ کودکان خیابانی در زاهدان افغانی هستند.
۶. بالا بودن هزینه‌های تحصیلی
۷. عدم مشارکت دولت با مردم در کنترل و تحدید پدیده کودکان خیابانی
۸. جنگ یا اغتشاشات داخلی
۹. بی‌سوادی و کم‌سوادی تحصیلات والدین
۱۰. بی‌تفاوتی، ناآگاهی یا سخت‌گیری‌های نادرست والدین
۱۱. جمعیت زیاد خانواده‌ها
۱۲. اعتیاد یا جدایی والدین
۱۳. تعارضات رفتاری افراد خانواده و درگیری‌ها
۱۴. فقدان سیاست‌جنایی در مورد کودکان و کمبود مراکز مراقبت بعد از خروج از کانون‌ها.

۶-۷. کودکان خیابانی و ضرورت سرپرستی و آموزش آنان

وجود کودکان خیابانی از بیماریه‌های اجتماعی عصر حاضر است که متأسفانه بر بسیاری از شهرها سایه افکنده است. آمارها نشان می‌دهد در کانادا نرخ خشونت به میزان ۷۷٪ بالاتر از یک دهه پیش شده و در میان افراد ۱۲ تا ۱۷ سال در سال‌های ۱۹۹۸ بیش از بزرگسالان بوده است.

کودکان خیابانی مانند میلیون‌ها کودک روی کره زمین دارای آمال و آرزوهایی هستند و همه خواهان یک زندگی آرام، بی‌دغدغه و بی‌دردسرنند.

ضرورت سرپرستی و نظارت بر آنان از طریق والدین، سازمان‌های دولتی و مراجع ذی‌صلاح می‌تواند عامل کاهنده ترویج پدیده کودکان خیابانی باشد. براساس پیمان جهانی حقوق کودک، در داخل خانواده کودکان می‌توانند به مناسب‌ترین روش ممکن از حقوق خود بهره‌مند گردند. لذا بند اول ماده ۹ و بند دوم ماده ۱۰ پیمان تأکید دارند که کشورهای طرف پیمان باید تضمین نمایند که کودکان علی‌رغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند؛ مگر در مواردی که بالاترین منافع را برای کودک داراست.

۷-۷. مشکلات کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن

در حالیکه موضوع کودکان خیابانی در کشورها یکی از مسائل رایج در اخبار به شمار می‌رود، سؤال مهم اینجاست که کودک خیابانی کیست و تفاوت آن با کودک خیابان چیست؟

کودکان خیابانی همانگونه که توضیح داده شد، شاغلان در خیابان هستند برای کسب درآمد معیشت؛ ولی کودکان خیابان در واقع خیابان برای آنها به منزله خانه است و مشکلات عدیده و پیچیده ای دارند. آنها در خیابان در پی سرپناه و غذا هستند. این کودکان یا فاقد سرپرست هستند یا به دلیل مسائل مختلف، خیابان را امتر از خانه می دانند. اکثر کارشناسان آسیب های اجتماعی، فقر و بی صلاحیتی را عوامل افزایش کودکان خیابانی می دانند ۴۸٪ کودکان خیابانی شبها در محلی غیر از خانه پدری می خوابند و به گزارش خبرگزاری دانشجویان نتایج یک تحقیق علمی نشان می دهد فقر و سرگردانی و برخوردار نبودن از سرپرست مؤثرترین عوامل وجود کودکان خیابانی است. این عامل، آنها را در معرض اعمال خلاف قانون و شرع قرار می دهد. ورود سالانه ۱۵۰۰ مجرم نوجوان به کانون اصلاح و تربیت گواهی بر این قضیه است. براساس این تحقیق، افزایش کودکان خیابانی نشانگر تزلزل اخلاق و شالوده خانواده در جامعه است.

در حال حاضر متأسفانه از هر ۱۰۰ کودکی که متولد می شود، ۳۰ کودک در پنج سال اول زندگی خود سوء تغذیه دارند و ۱۹ کودک به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. توجه به کودک به عنوان یکی از نزدیکترین و پاک ترین موجودات به خداوند وظیفه همه انسان هاست. توجه به انسانی به نام کودک، توجه به حقوق انسانی انسانهایی است که در حال رشد و بالندگی هستند. اگر کودک حمایت نشود، طبیعی است که یا توان و انگیزه حمایت کردن ندارد، یا واکنش غیرحمایتی به اطرافش خواهد داشت. طبیعی است که آسیب‌زایی این کودک حمایت نشده بزرگ شده به مراتب بیشتر از جانوران و گیاهان است. چون می تواند برنامه تخریبی اجرا نماید. کودکان خیابانی امروز در واقع همان کودکان حمایت نشده مطلق هستند که از همه برنامه های حمایتی و حقوق اجتماعی خود محرومند؛ آموزش، تربیت و از همه مهم تر حق حیات آرام از او سلب شده است. در حالیکه او به عنوان انسان دارای حق حیات توأم با رشد و فضیلت است. برنامه‌ریزی برای عملی کردن حقوق کودک در جامعه نیاز به آگاهی و شناخت همه مردم دارد. در این راه سازمان های غیردولتی پیشرو خواهند بود و به منابع و دانش لازم مجهز و در ترویج این حقوق در بین مردم همچنان تلاش خواهند کرد.

بوجود آمدن مؤسسات خدماتی و حمایتی، و آماده باش و مجهز بودن همیشگی این مؤسسات به امکانات و بودجه کافی با هدف پیشگیری از عوارض، بلایای طبیعی و غیرطبیعی بسیار ضرورت دارد تا مشکلات آوارگی خانواده‌ها و در نهایت کودکان را برطرف نماید. وظیفه مسؤلان است که آگاهانه برای نهادینه کردن حقوق کودکان بدون هیچ قید و شرطی از حقوقشان دفاع کنند تا هیچ کس حق تجاوز به کودکان را به خود ندهد. اضافه نمودن تبصره‌های مختلف به مواد اصلی حقوق کودک و مشروط گذاشتن آن نه تنها دردی از کودکان را دوا نمی‌کند، بلکه ناتوانی برخی قانونگذاران را از اجرای این حقوق در اذهان عمومی تداعی می‌کند. آموزش اجباری نیز مانعی برای گسترش کودکان خیابانی است. تهران بین تمامی شهرها، ۳۱/۳٪ دارای بیشترین فراوانی کودکان خیابانی است و پس از آن خراسان با ۱۰/۴ درصد، لرستان ۷/۷٪ خوزستان ۶/۳٪ و کرمانشاه ۵/۱٪ دارا می باشند. کارشناسان حقوقی معتقدند مدرسه به منزله پلی است که نوجوان و کودک را با جامعه مربوط می‌کند. این نهاد با عملکرد خاص خود از کودکان افرادی مؤثر، فعال و مفید برای جامعه می سازد و این امر مرهون نظام تعلیم و تربیت موفقی است که توانسته باشد در امر پرورش نیروی انسانی به موقع و صحیح اقدام کند.

البته لازم به ذکر است که طرح آموزش اجباری کودکان در حالی می تواند عامل بازدارنده مؤثری در انتشار پدیده کودکان خیابانی باشد که براساس تقسیمات بعمل آمده جهت کودکان بی سرپرست، دولت و مراکز ذی صلاحی که سرپرستی و حمایت این کودکان را برعهده دارند، به امر تعلیم، تربیت و آموزش آنان مبادرت نمایند. این طرح در مورد گروه دوم کودکانی که بدلیل فقر خانوادگی ملزم به کار در خیابان هستند، زمانی می تواند عملی و قابل اجرا باشد که دولت، سازمان بهزیستی و مراکز خدمت‌رسانی به طبقات محروم جامعه، پس از بررسی وضعیت مالی و اجتماعی این خانواده ها یکایک اعضای خانواده بویژه کودکان ایشان را تحت پوشش بگیرند. البته هم اینک کمیته امداد حضرت امام درصدی از این خانواده‌ها را تحت پوشش دارد ولیکن وجود تعداد بی‌شمار خانواده‌هایی که زیرخط فقر هستند، یقیناً حمایت بیشتر دولت را می‌طلبد. آیا خانواده هایی که از تمکن مالی پایینی

بررسی علل شکل‌گیری پدیده کودکان خیابانی در شهر و ارائه راهکارهای اجرایی جهت ساماندهی

برخوردار هستند، سهم بیشتری را از منابع نفتی، کارخانه‌ها و ذخایر دولتی نباید داشته باشند؟ آیا در بودجه سالانه دولت، هزینه ای تحت عنوان حمایت از کودکان خیابانی تعریف شده است؟ به نظر می‌رسد تخصیص بودجه‌های دولتی و ملی به خانواده‌های محروم و ایجاد مشاغل جهت والدین و افراد بزرگسال خانواده این کودکان، به تنهایی کارساز نخواهد بود. رشد فکری و فرهنگی ملت ایران و دادن آموزش‌های صحیح در مقاطع مختلف تحصیلی به کودکان، جوانان و والدین ایشان مبنی بر کمک روزانه و ماهانه به کودکان خیابانی و تبیین جایگاه این کودکان از وظایف آحاد ملت ایران و مراکز آموزشی تربیتی است؛ زیرا اگر توجه مردم به این پدیده جلب شود و آنها بدانند که کودکان خیابانی هم مانند کودکان آنان باید در مدارس مشغول تحصیل و بازی‌های کودکانه باشند تا زمینه رشد فکری فردای آنان پی‌ریزی شود، یقیناً کمر همت بر ریشه‌کن کردن این معضل خواهند بست. براستی همه ما چه میزان در باروری فکری و آگاهی دادن به مردم در زمینه توجه به حل معضل این کودکان نموده ایم؟ آموزش صحیح اجتماعی، ترویج اخلاق دینی و انسانی، بیدار نگهداشتن وجدان انسانی همه و همه از جمله وظایف مراکز تربیتی و فرهنگی در رسانه‌ها می‌باشد.

توجه دقیق مسئولان اشتغال و کار در جامعه به نحوه استخدام کارگزاران و کارگران و اجرای دقیق مفاد قانون کار نیز می‌تواند عامل کاهنده این پدیده به شمار آید.

یکی از مهم‌ترین اقدامات برای پایان دادن به معضلات حقوقی، آموزشی و تربیتی کودکان خیابانی تعیین ارگانی جهت حمایت و سرپرستی آنهاست. ثانیاً قرار دادن آموزش اجباری در سنین خاص می‌تواند مانع بزرگی در راه اشاعه این پدیده باشد. لازم به ذکر است که بعد از انقلاب اسلامی گام‌های ارزشمندی در راستای تحقق اهداف دین مبین اسلام مبنی بر تربیت کودک سالم در محیط سالم برداشته شده است. یکی از راه‌های جدیدی که مسئولان امر به نقل از خبرگزاری‌های ایران ایسنا نقل می‌کند، این است که سازمان بهزیستی در سه ماهه اول سال ۸۲ بیش از ۶ هزار کودک خیابانی شناسایی کرده و طرح ساماندهی کودکان خیابانی را برای ۲۰ هزار نفر برنامه‌ریزی نموده و مقرر کرده است که ماهیانه ۳۰ هزار تومان به خانواده‌های کودکان خیابانی پرداخت شود این در حالی است که حداقل درآمد کودکان خیابانی در ماه بطور متوسط ۶۰ هزار تومان است. البته بنا به گفته مدیرکل دفتر آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی این کمک هزینه تحصیلی کودکان خواهد بود که این امر بدون اجباری کردن آموزش کودکان عملی نخواهد شد، گر چه در کنار آن بسیار مؤثر است.

۸. نتیجه‌گیری

پدیده کودکان خیابانی همانند سایر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، با وجود اینکه در ظاهر به پدیده‌ای ساده و معلوم می‌نماید اما در واقع پدیده‌ای پیچیده است که شناسایی، پایش یا حل آن در قالب طرح‌های فوری، ضربتی و مقطعی امکان‌پذیر نیست. نمودهای اولیه این پدیده، به عنوان مسئله‌ای جهانی و مبتلا به جوامع در حال توسعه، در چند سال اخیر در ایران ظاهر شده است. با توجه به روند کنونی تحول‌های اجتماعی ایران، دگرگونی در ساخت و کارکرد خانواده و روند فزاینده مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور در دهه آینده، گسترش فزاینده این پدیده در آینده امری قابل پی‌شبینی می‌باشد. در بررسی و مطالعه پدیده کودکان خیابانی به عنوان یک مسئله اجتماعی، سه موضوع اصلی این تعریف و توصیف دقیق و واقع‌بینانه این مسئله، تبیین علل و عوامل پیدایش و گسترش مسئله کودکان خیابانی و راه‌حل‌های مداخله‌گرایانه و پیشگیرانه مطرح هستند.

مرحله اساسی در بررسی و مطالعه این پدیده، تغییر در نگرش مسئولان است. با تأسف باید گفت در حال حاضر به دلیل فقدان نگرش‌ها و تصورات هماهنگ و منسجم سازمان‌های مسئول دیدگاه مثبتی به این کودکان ندارند؛ در نیروی انتظامی به این کودکان به دیده ولگرد، مجرم و منحرف نگریسته می‌شود، شهرداری‌ها معتقدند که وجود کودکان خیابانی چهره شهرها را زشت می‌کند و باید جمع‌آوری شوند و... و این درحالی است که این کودکان نیازمند حمایت و توانبخشی هستند و به واسطه بروز مشکل‌های متعددی از جمله خانواده آسیب دیده، فقر، مهاجرت از روستا به شهر و...، نیازمند تلاش برای گذران زندگی هستند. بنابر این، در گام اول، دستیابی به یک تعریف واحد، هماهنگ و واقع‌بینانه از مسئله کودکان خیابانی، مورد نیاز است. بی‌شک انکار پدیده کودکان کار و خیابانی و نادیده گرفتن این فرزندان و به رسمیت نشناختن این کودکان و یا عوامل و دلایل موجب

رشد و گسترش مخفیانه و تصاعدی آنان را ایجاد می‌کند. بهتر است مانند سایر کشورها دیدی منطقی به مسئله داشته باشیم و به دنبال رفع دلایل منجر به این شرایط باشیم.

در کنار آن، در سطوح کلان باید سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اتخاذ شده از سوی دولت مورد بازبینی قرار گیرند و پیامدها و هزینه‌های اجتماعی این اقدام‌ها برای قشرهای محروم و آسیب دیده در نظر گرفته شوند. از آنجا که سیاست‌ها معمولاً بر پایه سود و منفعت اقلیمی شکل می‌گیرند، دولت باید برای جبران خسارت وارده به قشرهای متضرر تلاش کند. برنامه‌های نوسازی همچنان که برای کشور بسیار لازم هستند و به سود عده زیادی از قشرهای جامعه می‌باشند، برای عده دیگری آسیب مسلم به شمار می‌آیند، زیرا توسعه همچون شمشیری دو دم عمل می‌کند. در کنار این مسائل، پیشنهادها و زیر نیز می‌توانند در این خصوص قابل تأمل باشند:

ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودک؛ فقر و جستجوی موقعیت‌های شغلی باعث مهاجرت تعداد زیادی از خانواده‌های مقیم استان‌های مختلف کشور و همچنین کشورهای همسایه مانند افغانستان و پاکستان به تهران می‌شوند. بحران‌های منطقه‌ای نیز عاملی در رشد این پدیده به شمار می‌روند. همکاری سازمان ثبت احوال برای ارائه شناسنامه و هویت دهی به این کودکان که بنا به دلایل مختلف دارای شناسنامه نبوده‌اند؛ این امر هرچند از سوی برخی به عنوان به رسمیت شناختن برخی انحرافها و مسائل اجتماعی قلمداد می‌شود اما برخی کمک به این کودکان و بهبود شرایط آنان و فراهم کردن تسهیلات آموزشی و بهداشتی برای آنان بسیار لازم است. پذیرش قوانین فرزندخواندگی طبق کنواسیون حقوق کودک میتواند نقش مثبت و مهمی در ارتباط با کاهش تعداد کودکان آزاردیده، کودکان خیابانی و کودکان کار داشته باشد.

لازم است که والدین در مورد اهمیت وجود محیطی سالم در خانه و تلاش برای ایجاد آن آموزش داده شوند. باید به خانواده‌ها آموزش‌های لازم داده شود تا بتوان از کارکردهای خانواده استفاده مفید کرد و جامعه را از این کارکردها بهره‌مند نمود. در واقع، شرایط حاکم بر خانواده به علاوه فقر، از مهم‌ترین عوامل در رشد پدیده کودکان خیابانی به شمار می‌روند. با ارائه آموزش‌های صحیح به خانواده و تلاش برای بازگرداندن نقش حیاتی خانواده می‌توان در حد بسیار زیادی مانع از رشد کودکان خیابانی، به ویژه رشد تعداد دختران در خیابان‌ها شد.

تأکید بر آموزش کودکان خیابانی، از طرفی چون نمایش فیلم‌ها و کارتون‌های مخصوص و تجربه‌ای که در این زمینه توسط آژانس بین‌المللی کودکان خیابانی در ارتباط با تهیه کارتنو نهایی برای پیشگیری از برخی بیماری‌ها وجود دارند، قابل توجه می‌باشد. در این فیلم‌ها که با حضور مددکار اجتماعی به نمایش گذاشته می‌شوند و با مداخله مددکار تحلیل می‌گردند، شیوه‌های پیشگیری از بیماری‌ها آموزش داده می‌شوند.

مشارک تدادن کودکان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خود، آموزش مهارت‌های زندگی و نیز فعالیتهای مدنی (نظیر پس‌انداز کردن و امور بانکی و پست کردن نامه و غیره) به آنان برای سوق دادن آنان به شهروندانی مسئول و مدنی؛ رشد برنامه‌های پایش اجتماعی و نیز، آموزش‌های منجر به رشد پایش درونی برای این کودکان؛

اصلاح نگاه مدیران مبتنی بر عدالت اجتماعی؛

تفکیک متکدیان از کودکان خیابانی هنگام برنامه‌ریزی؛

آموزش کتاب حقوق کودکان در مدارس و دانشگاه‌ها و ایجاد نگرش نسبت به این حقوق؛

ایجاد مراکز سازماندهی کودکان در نزدیکی حرم‌ها و زیارتگاه‌ها، به ویژه در تهران، مشهد و شهر ری؛

امنیت‌دهی به کودکان و به وجود آوردن فضای اعتماد و آرامش با ایجاد مراکز و امکانات تفریحی؛

افزایش پایگاه‌های مددکاری و کارشناسی، به خصوص در شهرهای بزرگ و نیز در مدارس مناطق آسیب‌زا و ایجاد شرایط سهل

و آسانی برای گرفتن مشاوره‌های حقوقی و مددکاری و روانشناختی بدون خطر درگیر شدن با نیروهای انتظامی؛

برخورد جدی نیروهای انتظامی و قوه قضائیه با باندهای فساد و تبهکاری و سرقت و ... برای پیشگیری از کشیده شدن این کودکان به باندها.

۹. منابع فارسی و لاتین

- وامقی، مروّنه؛ رفیعی، حسن؛ سجادی، حمیرا؛ رشیدیان، آرش (۱۳۹۷) مرور نظام مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه ی اخیر در ایران :عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان، مجله مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱: ۱۳۵-۱۳۸.
- حسینی، سید حسن (۱۳۹۵). کودکان کار و خیابان. تهران: سلمان.
- حسینی، احمد؛ درابی، آزاد (۱۳۹۶) بررسی عوامل مؤثر بر بروز پدیده کودکان خیابانی. مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۶.
- روشن پژوه، محسن و دیگران (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت کودکان کار و خیابان منطقه ۱۲ تهران، کتاب مقالات دومین سمینار بررسی آسیب های کودکان کار و خیابان.
- ممتاز، فریده (۱۳۹۷) انحرافات اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ملکی، قاسم (۱۳۹۸) کودکان و نوجوانان خیابانی. تهران: ایپژ.
- نیازی، محسن (۱۳۹۸) کودکان خیابانی. تهران: سخنوران.
- آرزومندی، منیره و روشن پژوه، محسن (۱۳۹۵)، بررسی مقایسه ای مقیاس ناامیدی کودکان در میان کودکان کار و خیابان و کودکان محروم غیر خیابانی، اولین سمینار بررسی آسیب های کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار.
- اکبری، ابوالقاسم و اکبری، مینا (۱۳۹۸). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: رشد و توسعه.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۶). توسعه به مثابه آزادی. (ترجمه حسین راغفر). تهران: کویر.
- افشانی، علیرضا، عسکری ندوشن، عباس، حیدری، محمد و نوریان نجف آبادی، محمد. (۱۳۹۷). تحلیلی بر وضعیت، کودکان خیابانی در شهر اصفهان. جامعه شناسی کاربردی، ش ۴.
- احمدی خوئی، شاپور (۱۳۹۷)، بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر شکل گیری- کودکان خیابانی در شهر ارومیه، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- جعفری، حمیدرضا و قمرانی، امیر (۱۳۹۸). کودکان خیابانی، تهدیدی برای امنیت اجتماعی ۴۶-۵۳.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۹۶). پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن. فقه و حقوق خانواده، ش ۳.

- Thomas De Benitez, S. (2017). State of the World's Street Children: Research. Consortium for Street Children, London.
- Wattthayu N, Wenzel J, Sirisreetreeru R, Sangprasert, Wisettanakorn, N (2015) , Rapid Assessment and Response: The Context of HIV/AIDS and Adolescents in Bangkok, J Nurse Sci, Vol.29, N.3: 28-35
- Khan S, Hesketh T (2018) , "Deteriorating situation for street children in Pakistan: a consequence of war", Archives of Disease in Childhood, 95: 655-657
- Wattthayu N, Wenzel J, Sirisreetreeru R, Sangprasert, Wisettanakorn, N (2017) , Rapid Assessment and Response: The Context of HIV/AIDS and Adolescents in Bangkok, J Nurse Sci, Vol.29, N.3: 28-35

Investigating the causes of the formation of street children in the city and presenting executive solutions to organize it

Abbasali gholami¹, Javad abbasalimadadi², Saeid ghahremani³,
Mohammad momeni⁴

Abstract

Street children, as a social and global phenomenon, have been the subject of numerous researches and studies. The factors influencing this phenomenon are so diverse and wide that they have made it practically impossible to provide any comprehensive plan to prevent or monitor this phenomenon without conducting interdisciplinary studies. The most important causes of this ominous phenomenon are cultural and economic poverty, lack of awareness of people, addiction and divorce of parents. In order to solve the problem of street children, there are solutions, including compulsory education with the support of the government and the people. Providing livelihoods, reducing education and environmental costs, forming formal organizations and institutions in charge of educating, employing and educating these children and examining the levels of the classes below the poverty line. This research is descriptive. The tool is in the form of fraternity. In this research, using various articles and books, the cases were examined and the results were presented.

Keywords: street children, effective factors, coping strategy

1. Head of Organizational Performance Evaluation Office. abb.gholami@gmail.com
2. Director of Office Renovation and Transformation. jmadadi111@gmail.com
3. Human capital expert. saeid.gh.3915@gmail.com
4. Head of Complaints Response Office. mohammad9627@gmail.com